



مقایسه تعادل عاطفی و حساسیت بین فردی در بین دانش آموزان عادی با دانش آموزان دارای معلولیت شهرستان گرمسار

مونا مددی^۱، داود معنوی پور^۲

چکیده

هدف مقاله حاضر مقایسه تعادل عاطفی و حساسیت بین فردی در بین دانش آموزان عادی با دانش آموزان دارای معلولیت شهرستان گرمسار بود. روش این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای است. نمونه این پژوهش شامل ۹۰ دانش آموز (۴۵ دانش آموز دارای معلولیت و ۴۵ دانش آموز عادی به شیوه همتاسازی) بود که به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های حساسیت بین فردی بویس و پاپکر و تعادل عاطفی برادبورن استفاده شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از شاخص‌های توصیفی و تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) تجزیه و تحلیل شدند. نتایج این مطالعه نشان داد که بین دانش آموزان دارای معلولیت و عادی در حساسیت بین فردی و تعادل عاطفی تفاوت معناداری وجود دارد یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از مشکلات دانش آموزان دارای معلولیت در زمینه مهارت‌های بین فردی-ارتباطی و کاستی‌هایی در رشد عاطفی است. از آنجایی که عملکرد تحصیلی و مهارت بین فردی و عاطفی دانش آموزان ممکن است به طور متقابل بر هم تأثیر بگذارند، لذا شناخت ویژگی‌های اجتماعی و عاطفی دانش آموزان دارای معلولیت از جمله گام‌های اساسی در فرآیند تشخیص و بازپروری این دانش آموزان است.

کلیدواژگان: حساسیت بین فردی، تعادل عاطفی، معلولیت، دانش آموزان

^۱ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، ایران
^۲ دکترای روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، ایران (نویسنده مسئول)



مقدمه

از سال ۱۹۷۵ به بعد بر طبق حقوق عمومی، دانش آموزان با میزان استعداد‌های متفاوت از حق تحصیل برخوردار شده‌اند و از معلم خواسته شده است تا فعالیت‌های کلاسی منظمی را برای آن‌ها فراهم نماید (موجی و یوشینو، ۲۰۱۷). برای این دانش آموزان طرح‌های آموزشی جداگانه‌ای به اجرا درمی‌آید و بر اساس نیازها و توانایی‌های ارزیابی‌شده‌ی آن‌ها تکالیف درسی ارائه می‌گردد (ودگورث، لاروکا، چاپلین و همکاران، ۲۰۱۷). معلولیت یک پدیده بشری است که زندگی انسان‌ها در طول تاریخ از آن فارغ نبوده است. در واقع معلولیت همزاد زندگی بشر بوده است؛ آنچه موجب تفاوت یا کاهش و افزایش معلولیت در جوامع گردیده است علل یا زمینه‌های معلولیت است. مسئله معلولیت در جامعه همانند بسیاری از پدیده‌های دیگر بشری می‌تواند از زوایای گوناگون مورد ارزیابی قرار گیرد، و همین‌طور جامعه به تناسب شرایط و وضعیت و سطح آگاهی و برخورداری به موضوع معلولیت نگاه‌های متفاوت دارد. بر اساس برآوردهای انجام‌یافته گفته می‌شود نزدیک به ده درصد جمعیت جهان را، معلولین تشکیل می‌دهند (غفاری نیا و همکاران، ۱۳۹۶). از این میزان ارائه‌شده بیشترین رقم کشورهای جهان سوم را معلولین تشکیل می‌دهند. زمانی که معلول به خوبی شناخته شود و توانایی و ضعفش به درستی در جامعه انعکاس یابد، حقوق و تکلیف او نیز مشخص می‌شود؛ به عبارتی حقوق و تکلیف را ویژگی‌های یک نقش تعیین می‌کند (تاکاسا و همکاران، ۲۰۱۸). لذا حقوق و تکلیف شخص معلول نیز در سایه ویژگی‌های نقش او تعریف گردد. در اینجاست که تحقیر و ترحم در مورد معلول بی‌معنا می‌شود و معلولیت محدودیت اگر باشد ولی هرگز توجیه‌کننده محرومیت نیست (مک‌دانل، استاهل، دی و همکاران، ۲۰۱۷). در این پژوهش به بررسی مقایسه حساسیت بین فردی و تعادل عاطفی در دانش آموزان دارای معلولیت و دانش آموزان عادی پرداخته شده است. به‌علاوه دانش آموزان قشر عمده‌ای از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، به‌طوری‌که در کشورهای در حال توسعه، سهم این قشر از کل جمعیت به‌طور تقریبی به ۵۰ درصد می‌رسد (کریمی و محمودی، ۱۳۹۴). در هر جامعه‌ای سلامت کودکان و نوجوانان اهمیت ویژه‌ای دارد و توجه به بهداشت روانی آن‌ها کمک می‌کند تا از نظر روانی و جسمی سالم بوده و نقش اجتماعی خود را بهتر ایفا کنند. در این راستا، شناخت صحیح ابعاد جسمی و روانی این گروه سنی و کوشش در راه تأمین شرایط مادی و معنوی مناسب برای رشد بدنی، عاطفی و فکری آن‌ها آشکارتر از آن است که احتیاج به تأکید داشته باشد (تاجری، ۱۳۹۵).

معلولیت واقعی است انکارناپذیر و به‌عنوان یک پدیده اجتماعی از ادوار گذشته تاکنون در جوامع وجود داشته است. با این وجود، مفهوم معلولیت توسط سازمان بهداشت جهانی^۳ در طبقه‌بندی بین‌المللی ناتوانی کارکردی و سلامت، به‌عنوان یک اصطلاح چتری برای آسیب‌ها، محدودیت‌های کارکردی و محدودیت‌های مشارکتی مطرح شده است (موجی و یوشینو، ۲۰۱۷).

کودکان معلول به دلیل نقص جسمی، حسی و محرومیت‌های ناشی از آن، اغلب قادر به ایجاد رابطه اجتماعی و متقابل با همسالان و بزرگسالان نیستند و سازگاری عاطفی و اجتماعی آنان با دشواری روبرو است. این کودکان معمولاً منزوی و درون‌گرا هستند (ویلی، جاهنک، مینزن در و همکاران، ۲۰۰۵). مطالعه درباره‌ی این گروه‌ها به‌عنوان کودکان دارای نیازهای خاص، مطالعه درباره‌ی تفاوت‌هاست. آنچه مهم است این است که چنین کودکانی استعدادهایی دارند که ترکیبی از توانایی‌ها و ناتوانی‌های ویژه است و همین بستر را برای مطالعه و مقایسه و پژوهش آماده می‌سازد (محمدی‌قلعه‌تکی، قمرانی و برمک، ۱۳۹۳).

پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که به‌طور تقریبی ۳۰ درصد کودکان و نوجوانان در طول زندگی خود یک اختلال روان‌پزشکی قابل تشخیص را تجربه خواهند کرد. تعداد کودکانی که وخامت مشکلات آن‌ها در حدی است که نیاز به درمانگری را مطرح می‌کند، حدود ۱۵ تا ۲۲ درصد تخمین زده شده است (کاووسی چاهک، ۱۳۷۷). بر همین اساس، دانش‌آموزان دارای معلولیت

^۳. World Health Organization



نسبت به افراد عادی، مشکلات رفتاری بیشتری داشته و ارتباط ضعیفی را با همسالان خود نشان می‌دهند (کریمی و محمودی، ۱۳۹۴). لازم به یادآوری است که این مشکل در سازش اجتماعی و برقراری ارتباط با دیگران، برای دانش‌آموزانی دارای معلولیت^۴ نسبت به دانش‌آموزان دیگر به مراتب بیشتر است. همچنین این اختلال‌ها، منجر به نقص عملکرد در زمینه‌های گوناگون از جمله زمینه‌های تحصیلی و خانوادگی و سرانجام، باعث افت تحصیلی یا رفتارهای بزهکارانه می‌شود (زرگر، صیاد و بساک نژاد، ۱۳۹۰). دانش‌آموزان دارای معلولیت که به‌طور مداوم و مکرر شکست تحصیلی را تجربه می‌کنند نسبت به مشکلات رفتاری - اجتماعی و هیجانی آسیب‌پذیرتر هستند. لذا این دانش‌آموزان علاوه بر مشکلات تحصیلی، سطوح بالایی از مشکلات اجتماعی - هیجانی در مقایسه با دانش‌آموزان بهنجار از خود نشان می‌دهند (ویلی و همکاران، ۲۰۰۵). تحقیقات نشان می‌دهد که کودکان و نوجوانان معلول دارای مشکلاتی در مهارت‌های بین فردی (نریمانی، پرزور و بشرپور، ۱۳۹۴)، اختلالات خلقی و افسردگی (نوفمان، ۲۰۱۷)، پردازش اطلاعات اجتماعی (منگوو، اگبرت، پالوو و همکاران، ۲۰۰۸) و مشکلات سازگاری (لوپو، ۲۰۱۱) می‌باشند.

یکی از مشکلات احتمالی در افراد دارای معلولیت، حساسیت بین فردی است. در شرایط بالینی حساسیت بین فردی به‌عنوان حساسیت و آگاهی بیش‌ازحد غیرضروری نسبت به رفتار و احساسات دیگران تعریف شده است (ودگورث، لاروکا، چاپلین و همکاران، ۲۰۱۷). افراد با حساسیت بین فردی بالا، در تعاملات خود به نظارت و قضاوت‌های دیگران بیش‌ازحد اهمیت داده و در مورد اینکه دیگران نسبت به آن‌ها چه فکری می‌کنند دغدغه فکری دارند. به‌عبارتی دیگر زندگی و نوع رفتار آن‌ها برای دیگران و برای جلب رضایت آن‌ها و مصون داشتن خود از انتقادهاست. این افراد علی‌رغم میل باطنی خود سعی می‌کنند کارهایی را انجام بدهند و تصمیم‌هایی را بگیرند که دیگران هم با آن‌ها موافقاند (لامبرت و هوپوود، ۲۰۱۶). به‌طورکلی حساسیت بین فردی، یک احساس عدم کفایت شخصی می‌باشد که همراه با تفسیرهای نادرست مکرر از رفتار بین فردی دیگران است و در نتیجه با احساس ناراحتی در حضور دیگران و همچنین به‌عنوان اجتناب بین فردی و رفتارهای غیر جرات‌مندانه مشخص می‌شود (نریمانی و همکاران، ۱۳۹۴).

درزمینه موضوع موردبحث تحقیقاتی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است به‌عنوان نمونه زرگر و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به مقایسه حساسیت بین فردی در دانش‌آموزان دختر دارای اختلال بدشکلی بدن پرداختند. بدین منظور آنان ۳۰ نفر را به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و شاهد قراردادند و به بررسی متغیر موردنظر در پژوهش پرداختند، نتایج نشان دادند که تفاوت معنی‌داری در دو گروه شاهد و آزمایش وجود دارد. تاجری (۱۳۹۹) در پژوهشی اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر حساسیت بین فردی و پرخاشگری دانش‌آموزان بررسی کردند. آنان تعداد ۳۰ نفر را انتخاب و به‌صورت تصادفی به دو گروه آزمایشی و کنترل اختصاص یافتند و پروتکل آموزشی بر روی آنان انجام و آموزش داده شد. نتایج نشان داد که این آموزش موجب افزایش حساسیت بین فردی می‌شود.

گل‌پرور و مهرانگیز (۱۳۹۹) در پژوهش خود به بررسی رابطه عاطفه مثبت و منفی صفت با بی‌عدالتی و رفتارهای مخرب پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که عاطفه مثبت رابطه بی‌عدالتی تعاملی را با خروج به‌عنوان اولین مؤلفه رفتارهای مخرب تعدیل می‌کند. همچنین عاطفه مثبت بالا، بی‌عدالتی تعاملی را با غفلت و اعتراض پرخاشگرانه تعدیل می‌کند. بدین ترتیب در عاطفه منفی پایین، رابطه متغیرهای یادشده مثبت و معنادار بود. محمدی‌قلعه‌تکی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی به بررسی و مقایسه تعلل ورزی تحصیلی در دانش‌آموزان دارای معلولیت پرداختند. آنان در این پژوهش به این نتیجه رسیدند که تفاوت معناداری بین دوگروهی که موردبررسی قرار گرفت وجود دارد.

۴. Multi Handicap



در خارج از کشور نیز در پژوهشی وابلس، برکلمنز و هویمایرز (۲۰۲۱) نشان دادند که عواطف مثبت، افزایش موفقیت‌های شناختی و عاطفی فراگیران را باعث می‌شوند و احتمال افسردگی تحصیلی را کاهش می‌دهند. راس (۲۰۱۹) بیان می‌کند که یک نقص خلقی وجود دارد که ممکن است بیشتر کودکانی ناتوان یادگیری با آن مواجه باشند؛ و آن عدم توانایی در تنظیم عواطف است. همچنین استر (۲۰۱۷) بیان کرده است که ناتوانی یادگیری می‌تواند با مشکلاتی در عواطف مثبت و منفی و هیجان همراه باشد.

وان و پیرن (۲۰۱۶) نیز در پژوهشی نشان داد افرادی که عاطفه مثبت بالایی دارند، پارانرژی و باروحیه‌اند و از زندگی خود لذت می‌برند در مقابل افرادی که عاطفه بالایی دارند، مضطرب، نگران و کم انرژی هستند. همچنین زمانی که دانش آموزان عاطفه مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند، تمایل به صرف زمان بیشتری در انجام تکلیف‌ها دستیابی به سطح بالاتری ادراک توانایی خود از عملکرد در آن تکلیف دارند. درحالی‌که تجربه عاطفه منفی، منجر به دستیابی به سطوح پایین‌تر از عملکرد می‌شود.

سایر تحقیقات نیز نشان می‌دهد که حساسیت بین فردی با اعتمادبه‌نفس پایین اجتماعی و تحصیلی، علائم افسردگی و عملکرد تحصیلی ضعیف همراه است (هایک‌دارماز و اوز، ۲۰۱۶). تحقیقات متعددی نیز نشان داده‌اند که دانش آموزان با ناتوانی یادگیری مشکلات بیشتری را در حل تعارضات بین فردی، به‌مثابه یکی از ابعاد مهم و پیچیده قابلیت اجتماعی تجربه می‌کنند و از این نظر، در سطحی پایین‌تر از کودکان عادی قرار دارند (مک‌دائل، استاهل، دی و همکاران، ۲۰۱۷).

طبق شواهد پژوهشی بعضی از دانش آموزان دارای معلولیت، خجالتی و گوشه‌گیر بوده و تعدادی از آنها احساس می‌کنند از نظر اجتماعی طردشده و تنها هستند (کریمی و محمودی، ۱۳۹۴). این دانش آموزان ممکن است نشانه‌های اجتماعی را غلط درک کرده، نتوانند مانند سایر نوجوانان موقعیت‌های اجتماعی را درک کنند و در روابط بین فردی خود، احساسات و رفتارهای دیگران را سوءتعبیر کنند. همچنین این دانش آموزان حسادت و گوشه‌گیری بیشتری نسبت به دانش آموزان بهنجار از خود نشان داده (وجودی، عطارد و پور شریفی، ۱۳۹۳) و ممکن است از نظر روابط اجتماعی با مسائلی مواجه شده و از لحاظ کفایت اجتماعی در روابط بین فردی، دچار شک و تردیدهایی شوند (صالحی حیدرآباد، پوراسمعی و عندلیب‌کورايم، ۱۳۸۹).

به نظر می‌رسد یکی دیگر از مشکلات احتمالی دانش آموزان دارای معلولیت، ضعف در تعادل عاطفی باشد. واتسون و تلگن عواطف را به دو بعد عاطفی پایه تقسیم‌بندی می‌کند. یکی عاطفه منفی است. بدین معنی که شخص تا چه میزان احساس ناخرسندی و ناخوشایندی می‌کند. عاطفه منفی یک بعد عمومی از یأس درونی و عدم اشتغال به کار لذت‌بخش است که به دنبال آن حالت‌های خلقی اجتنابی از قبیل خشم، غم، تنفر، حقارت، احساس گناه، ترس و عصبانیت پدید می‌آید. از سوی دیگر، عاطفه مثبت حالتی از انرژی فعال، تمرکز زیاد و اشتغال به کار لذت‌بخش می‌باشد. عاطفه مثبت و عاطفه منفی حالت‌های متضاد احساس کردن نیستند، بلکه این دو خلق، حالت‌های مستقل (نه متضاد) احساس کردن هستند (گل‌پرور و کرمی، ۱۳۹۰).

تحقیقات نشان داده‌اند که عواطف مثبت، افزایش موفقیت‌های شناختی و عاطفی فراگیران را باعث می‌شوند و احتمال فرسودگی تحصیلی را کاهش می‌دهند (نیومان، ۲۰۱۷). افرادی که عاطفه مثبت بالایی دارند، پارانرژی و باروحیه‌اند و از زندگی خود لذت می‌برند در مقابل افرادی که عاطفه منفی بالایی دارند، مضطرب، نگران و کم انرژی هستند. همچنین زمانی که دانش آموزان عاطفه مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند، تمایل به صرف زمان بیشتری در انجام تکلیف و دستیابی به سطح بالاتری ادراک توانایی خود از عملکرد در آن تکلیف دارند. درحالی‌که تجربه عاطفه متفاوت، منجر به دستیابی به سطوح پایین‌تر از عملکرد می‌شود (منگوو و همکاران، ۲۰۰۸).

با توجه به سوابق پژوهشی ارائه‌شده و با عنایت به اینکه فهم کامل مشکلات حاصل از معلولیت نیازمند پژوهش و توجه به حوزه‌های اجتماعی، عاطفی و رفتاری در زندگی این افراد است و از آنجایی‌که عملکردهای تحصیلی و ویژگی‌های ارتباطی -



اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان ممکن است به‌طور متقابل بر هم تأثیر بگذارند، لذا هدف این پژوهش، مقایسه‌ی حساسیت بین فردی و تعادل عاطفی در دانش‌آموزان دارای معلولیت و دانش‌آموزان عادی است و بر این اساس دو سوال مطرح می‌شود که آیا بین میزان حساسیت بین فردی در ابعاد مختلف در دانش‌آموزان دارای معلولیت و دانش‌آموزان عادی تفاوت وجود دارد؟ و آیا بین میزان عاطفه مثبت و منفی در دانش‌آموزان دارای معلولیت و دانش‌آموزان عادی تفاوت وجود دارد؟

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر علی - مقایسه‌ای و از نوع مقطعی - مقایسه‌ای می‌باشد. جامعه‌ی آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه پنجم و ششم ابتدایی دارای معلولیت و کلیه دانش‌آموزان عادی دختر و پسر پایه پنجم و ششم ابتدایی شهر گرمسار و در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ تشکیل شده است. از جامعه‌ی یادشده با توجه به هدف پژوهش نمونه‌ای به حجم ۸۰ نفر انتخاب شد. بدین‌صورت که ابتدا دانش‌آموزان دارای معلولیت شهر گرمسار شناسایی و سپس از میان آن‌ها ۴۰ نفر از طریق فهرست اسامی به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده است. همچنین ۴۰ نفر از دانش‌آموزان عادی نیز به شیوه‌ی هم‌تاسازی بر اساس سن، جنس، پایه‌ی تحصیلی و بهره‌ی هوشی به‌طور تصادفی به‌عنوان گروه مقایسه انتخاب شد. در مورد انتخاب ۸۰ نفر نمونه (۴۰ نفر برای هر گروه) باید اشاره کرد که در روش علی-مقایسه‌ای باید هر زیرگروه حداقل ۱۵ نفر باشد و برای این‌که نمونه‌ی انتخاب‌شده، نماینده واقعی جامعه باشد و اعتبار بیرونی بالایی داشته باشد، تعداد ۸۰ نفر در نظر گرفته شد. برای بررسی و اندازه‌گیری متغیرها از پرسشنامه حساسیت بین فردی و مقیاس تعادل عاطفی استفاده شده است. داده‌های موردنیاز پژوهش با استفاده از پرسشنامه حساسیت بین فردی و مقیاس تعادل عاطفی که توسط آزمودنی‌ها در دو گروه دانش‌آموزان دارای معلولیت و دانش‌آموزان عادی تکمیل شده، جمع‌آوری شد است. برای تحلیل داده‌ها از شاخص‌های توصیفی و آزمون تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شده است. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردیده‌اند.

یافته‌ها

قبل از استفاده از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس چند متغیری، جهت رعایت فرض‌های آن، از آزمون باکس و لوین استفاده شد و شرط همگنی ماتریس‌های واریانس/کواریانس رعایت شد. این آزمون برای هیچ‌کدام از متغیرها معنادار نبود. در نتیجه استفاده از آزمون‌های پارامتریک بلامانع است. سطوح معناداری تمامی آزمون‌ها قابلیت استفاده از تحلیل چند واریانس متغیری (مانوا) را مجاز می‌شماردند.

بر اساس جدول زیر، اثر گروه بر ترکیب خطی متغیرهای وابسته معنادار است ($P < 0.001$ ، $F = 8.918$ و $\eta^2 = 0.558$ = لامبدای ویلکز). به‌عبارت‌دیگر، بین دانش‌آموزان عادی و دانش‌آموزان دارای معلولیت حداقل در یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۱: نتایج آزمون‌های معناداری مانوا برای اثر اصلی متغیر گروه بر متغیرهای وابسته

متغیر	آزمون	ارزش	F	P
گروه	پیلای-بارتل	۰/۴۴۲	۷/۹۱۸	۰/۰۰۱
	لامبدای ویلکز	۰/۵۵۸	۷/۹۱۸	۰/۰۰۱
	اثر هتلینگ	۰/۷۹۲	۷/۹۱۸	۰/۰۰۱
	بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/۷۹۲	۷/۹۱۸	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، نتایج تحلیل واریانس نشان داد که میانگین نمرات حساسیت بین فردی و مؤلفه‌های آن -به‌جز مؤلفه‌ی اضطراب جدایی- به‌طور معناداری در دانش‌آموزان دارای معلولیت از دانش‌آموزان عادی بیشتر است



($P < 0/001$). همچنین میانگین نمرات دانش آموزان دارای معلولیت در تعادل عاطفی و مؤلفه‌ی عاطفه مثبت، پایین‌تر از دانش آموزان عادی است. ولی در مؤلفه عاطفه منفی، دانش آموزان دارای چند معلولیت میانگین نمرات بالاتری نسبت به گروه عادی دارند ($P < 0/001$).

جدول شماره ۲: نتایج تحلیل واریانس چند متغیری روی میانگین حساسیت بین فردی در دانش آموزان چند معلولیتی با دانش آموزان عادی

متغیر	SS	DF	MS	F	P
حساسیت بین فردی	۸۰۶/۵۶۰	۱	۸۰۶/۵۶۰	۱۴/۸۳۱	۰/۰۰۱
آگاهی بین فردی	۴۲/۲۵۰	۱	۴۲/۲۵۰	۸/۳۷۷	۰/۰۰۵
نیاز به تأیید	۲۶/۰۱۰	۱	۲۶/۰۱۰	۸/۰۷۴	۰/۰۰۵
اضطراب جدایی	۱۰/۸۹۰	۱	۱۰/۸۹۰	۱/۹۳۱	۰/۱۶۸
کمروبی	۱۷۹/۵۶۰	۱	۱۷۹/۵۶۰	۴/۴۲۳	۰/۰۰۱
خود درونی شکننده	۲۰/۲۵۰	۱	۲۰/۲۵۰	۱۰/۶۰۴	۰/۰۰۲

جدول شماره ۳: نتایج تحلیل واریانس چند متغیری روی میانگین تعادل عاطفی در دانش آموزان چند معلولیتی با دانش آموزان عادی

متغیر	SS	DF	MS	F	P
تعادل عاطفی	۱۷/۶۴۰	۱	۱۷/۶۴۰	۱۰/۷۷۸	۰/۰۰۱
عاطفه مثبت	۵/۷۶۰	۱	۵/۷۶۰	۸/۹۲۶	۰/۰۰۴
عاطفه منفی	۴/۸۴۰	۱	۴/۸۴۰	۷/۲۷۹	۰/۰۰۸

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش مقایسه‌ی حساسیت بین فردی و تعادل عاطفی در دانش آموزان دارای معلولیت و دانش آموزان عادی بود. نتایج پژوهش نشان داد که بین دو گروه دانش آموزان چند معلولیتی و دانش آموزان عادی در حساسیت بین فردی و ابعاد آن - به جز اضطراب جدایی - تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر دانش آموزان دارای معلولیت در روابط خود با دیگران، حساسیت بین فردی بیشتری نشان داده و در مؤلفه‌های آگاهی بین فردی، نیاز به تأیید، کمروبی و خود درونی شکننده در مقایسه با دانش آموزان عادی به طور معناداری نمرات بالاتری دارند. این نتیجه در راستای یافته‌های پژوهش سال و گری (۱۹۹۵)، واینر و اشناپدر (۲۰۰۲)، لاد و تروپ‌گردون (۲۰۰۳)، واینر (۲۰۰۴)، استل، جونز، پیرل، واناگر، فارمر و رودگین (۲۰۰۸)، بومینگر و کیمهی-کیند (۲۰۰۸) و سلیمانی و همکاران (۱۳۹۰) قرار دارد. این مطالعات نشان دادند که دانش آموزان دارای معلولیت مشکلاتی در مهارت‌های بین فردی، از هم‌گسیختگی در روابط بین فردی، دوستان صمیمی کمتر، سطوح بالایی از احساس طرد اجتماعی و تنهایی، کاستی‌هایی در توانایی‌ها و تعاملات اجتماعی در مقایسه با دانش آموزان عادی دارند. در تبیین این یافته‌ی پژوهش حاضر می‌توان گفت، یکی از دلایل حساسیت بین فردی بالا در دانش آموزان دارای معلولیت این است که این دانش آموزان ممکن است مورد بی‌اعتنایی واقع شده و از نظر اجتماعی از طرف معلم و همسالانشان طرد شوند. مشکل آن‌ها در روابط بین فردی می‌تواند ناشی از نقص در مهارت‌های اجتماعی باشد. از سوی دیگر، ممکن است نتوانند مانند سایر نوجوانان موقعیت‌های اجتماعی را درک کنند و در نتیجه متوجه نشوند که دیگران چگونه سعی می‌کنند آن‌ها را تحت تأثیر



قرار دهند و از آن‌ها می‌خواهند چه کاری انجام دهند یا دیگران چه دیدی نسبت به آن‌ها دارند (نریمانی و همکاران، ۱۳۹۴). با توجه به این‌که بعضی از این دانش آموزان در روابط بین فردی و موقعیت‌های اجتماعی خجالتی بوده و احساس طردشدگی و تنهایی می‌کنند (لامبرت و هوپوود، ۲۰۱۶)، ممکن است خود درونی شکننده‌تری داشته و کمرویی بیشتری را تجربه کنند. همچنین ممکن است در اظهارنظر کردن در مورد دیگران، ارزیابی گفتگوهای دیگران یا ارائه یا پذیرفتن انتقاد و پیشنهاد، تدبیر و درایت اجتماعی لازم را نداشته و مهارت‌های مقاومت در برابر فشارهای منفی همسالان را نداشته (وجودی و همکاران، ۱۳۹۳) و نیاز بیشتری به تأیید دیگران داشته باشند. در نتیجه‌ی این کاستی‌های اجتماعی و رفتاری، دانش آموزان دارای معلولیت، حساسیت بین فردی بیشتری در روابط خود نشان می‌دهند.

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که بین دو گروه دانش آموزان دارای معلولیت و دانش آموزان عادی در تعادل عاطفی تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که میانگین نمرات دانش آموزان دارای معلولیت در تعادل عاطفی و مؤلفه‌ی مثبت، پایین‌تر از دانش آموزان عادی است. ولی در مؤلفه‌ی عاطفه منفی، دانش آموزان دارای معلولیت میانگین نمرات بالاتری نسبت به گروه عادی دارند.

این یافته‌ی پژوهش حاضر با مطالعات راس (۱۹۷۶) و استر (۲۰۰۹) مبنی بر اینکه یادگیری می‌تواند با مشکلاتی در عواطف مثبت و منفی و عدم توانایی در تنظیم عواطف همراه باشد، همخوانی مستقیمی دارد. همچنین به‌نوعی با نتایج پژوهش وابلس و همکاران (۲۰۰۸) مبنی بر اینکه عواطف مثبت، منجر به افزایش موفقیت‌های شناختی و عاطفی دانش آموزان شده و احتمال افسردگی و عملکرد تحصیلی ضعیف را کاهش می‌دهد، هم‌راستا می‌باشد.

در نین این یافته‌ها می‌توان گفت که عاطفه‌ی مثبت با ویژگی‌هایی چون شادی، سرحالی، خوشحالی بیش‌ازحد، آرامش و آسودگی، رضایتمندی، سرزندگی و شورونشاط و عاطفه‌ی منفی با ویژگی‌هایی چون غمگینی، احساس شرم، نگرانی و اضطراب، ناامیدی، صرف انرژی زیاد برای انجام دادن کارها و احساس بی‌ارزشی همراه است (منگو و همکاران، ۲۰۰۸).

به نظر می‌رسد به دلیل شکست‌ها و ضعف‌های مکرر تحصیلی و آموزشی، ویژگی‌های عاطفه‌ی منفی در دانش آموزان دارای معلولیت به‌وفور و ویژگی‌های عاطفه مثبت کمتری در آن‌ها مشاهده می‌شود. از سوی دیگر زمانی که دانش آموزان عاطفه مثبت بیشتری تجربه می‌کنند، تمایل به صرف زمان بیشتری در انجام تکلیف و دستیابی به سطح بالاتر ادراک توانایی خود از عملکرد در آن تکلیف دارند. درحالی‌که تجربه عاطفه منفی، منجر به دستیابی به سطوح پایین‌تر از عملکرد می‌شود (لوپو، ۲۰۱۱). در نتیجه‌ی عاطفه مثبت پایین و عاطفه منفی بالا، و به دلیل شکست مکرر در انجام تکالیف تحصیلی، ضعف‌هایی در تعادل عاطفی این دانش آموزان آشکار می‌شود.

درمجموع، این مطالعه نشان داد که دانش آموزان دارای معلولیت، حساسیت بین فردی بیش‌تری از خود نشان داده و از تعادل عاطفی کمتری برخوردارند. بر مبنای نتایج این پژوهش می‌توان گفت دانش آموزان دارای معلولیت با دشواری‌های درزمینه‌ی مهارت‌های اجتماعی و بین فردی و کاستی‌هایی در رشد عاطفی مواجه هستند. لذا شناخت ویژگی‌های ارتباطی-اجتماعی و عاطفی افراد دارای معلولیت از جمله گام‌های اساسی در فرآیند تشخیص و بازپروری آن‌هاست. بر این اساس می‌توان به متخصصان پیشنهاد کرد که اقدام به طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و درمانی ترکیبی مؤثر بر قابلیت‌های اجتماعی، مهارت‌های بین فردی-ارتباطی و عاطفی دانش آموزان دارای معلولیت کنند. همچنین پیشنهاد می‌گردد با توجه به اکتسابی بودن مهارت‌های بین فردی و عاطفی، آموزش این متغیرها با استفاده از راهبردها و مدل‌های مناسب برای دانش آموزان دارای معلولیت به عمل آید.



منابع

- احمدی، خدابخش؛ خدادادی، غلامرضا؛ انیسی، جعفر؛ عبدالمحمدی، الهه. (۱۳۹۰). مشکلات خانواده‌های دارای فرزند معلول. مجله طب نظامی، جلد ۱۳، شماره ۱، ۴۹-۵۲.
- زرگر، یداله؛ صیاد، سحر و سودابه بساک نژاد. (۱۳۹۰). اثربخشی گروه‌درمانی شناختی-رفتاری بر اختلال بدشکلی بدن و حساسیت بین فردی در دانش آموزان دختر. تحقیقات علوم رفتاری، دوره نهم، شماره ۵، ۳۴۱-۳۵۰.
- سواری، غزاله. (۱۳۹۵). رابطه حمایت اجتماعی و سبک‌های مقابله با تاب‌آوری در دانش آموزان عادی و معلول. نسیم تندرستی، دوره ۵، شماره ۳، ۴۱-۴۸.
- صالحی حیدرآباد، مجتبی؛ اصغر پوراسمعی و مرتضی عندلیب کورایم. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط حساسیت بین فردی، گرایش نقش جنسی با توانایی حل مسئله در دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی، اولین همایش کشوری دانشجویی عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- کریمی، حسن؛ محمودی، حکیمه. (۱۳۹۴). اثربخشی تمرین بازی‌های حرکتی اجتماعی بر کاهش مشکلات رفتاری دانش آموزان دارای معلولیت: یک مطالعه تک آزمودنی. تعلیم و تربیت استثنایی، سال پانزدهم، شماره ۱، ۳۴-۴۳.
- محمدی قلعه تکی، نرگس؛ قمرانی، امیر و محمدعلی برمک. (۱۳۹۳). بررسی و مقایسه تعلل ورزی تحصیلی در دانش آموزان معلول جسمی - حرکتی، ناشنوا و نابینا با توجه به نقش جنسیت. تعلیم و تربیت استثنایی، سال چهاردهم، شماره ۳، ۲۲-۳۱.
- وجودی، بابک؛ عطارد، نسترن و حمید پور شریفی. (۱۳۹۳). مقایسه حساسیت بین فردی و ابراز وجود در افراد وابسته به مواد مخدر و عادی. فصلنامه اعتیاد پژوهی سوءمصرف مواد، سال هشتم، شماره ۳۱، ۱۱۰-۱۲۰.
- Estell DB, Jones MH, Pearl RA, Van Acker R, Farmer TW, Rodkin PR. (2008). Peer groups, popularity, and social preference: Trajectories of social functioning among students with and without learning disabilities. *Journal of Learning Disabilities*. 41(1), 5-14.
- Hicdurmaz D, Oz F. (2016). Interpersonal sensitivity, coping ways and automatic thoughts of nursing students before and after a cognitive-behavioral group counseling program. *Nurse Education Today*. 36, 152-178.
- Kent D. (1987). "Disabled women: portraits in fiction and drama". In *Images of the Disabled, Disabling Images*, Edited by: Gartner, A. and Joe, T. New York: Praeger.
- Lambert J, Hopwood C. (2016). Sex differences in interpersonal sensitivities across acquaintances, friends, and romantic relationships. *Personality and Individual Differences*. 89, 162-165.
- Linda S, Ellen B. (1989). The Development of Working Memory in Normally Achieving and Subtypes of Learning Disabled Children. *Child Development*. 60(4), 973-980.

Comparison of Emotional Balance and Interpersonal Sensitivity among Normal Students and Students with Disabilities in Garmsar City

Mona Madadi⁵, Davood Manavipour⁶

Abstract

The purpose of this article was to compare emotional balance and interpersonal sensitivity among normal students and students with disabilities in Garmsar city. The method of this research is causal-comparative. The sample of this research consisted of 90 students (45 students with disabilities and 45 normal students using matching method) who were selected by simple random sampling. Boyce and Popker's interpersonal sensitivity questionnaires and Bradburn's emotional balance questionnaires were used to collect data. The obtained data were analyzed using descriptive indices and multivariate analysis of variance (MANOVA). The results of this study showed that there is a significant difference between students with disabilities and normal students in interpersonal sensitivity and emotional balance. The findings of this study indicate the problems of students with disabilities in the field of interpersonal-communication skills and deficiencies in growth. It is emotional. Since academic performance and interpersonal and emotional skills of students may mutually affect each other, therefore, knowing the social and emotional characteristics of students with disabilities is one of the basic steps in the process of diagnosing and rehabilitating these students.

Keywords: Interpersonal Sensitivity, Emotional Balance, Disability, Students

⁵ Master of Clinical Psychology, Islamic Azad University, Garmsar branch, Iran

⁶ PhD in Psychology, Islamic Azad University, Garmsar branch, Iran (Corresponding Author)